

فن املاء

در عصر حاضر که قسمت اعظم احتیاجات مابایستی بواسطه قلم مرتفع شود و قلم یکی از ارکان مدنیت کنونی بشمار میآید لازم است از نظر تربیتی موضوع را برای محصلین که میخواهند وارد حیات اجتماعی شوند مورد دقت قرار داد. چون محصل امروز برای آن بمدرسه میرود که خود را برای زندگانی آماده و مهیا سازد امروز نمی شود عمر محصل را در مدرسه بکارهای بیهوده یعنی کارهایی که بگذرد زندگی نمی خورد تلف کرد. تربیت امروز باید بر روی شالوده حیات اجتماعی مبتنی شود و هر نظری جز این یکی غیر متناسب با تمدن فعلی ایران و مخالف مصالح ملی خواهد بود بنابراین باید برای حصول باین مقصد عالی بهترین و نزدیکترین راه را بییمود یعنی محصل را در راهی انداخت که با مختصر مساعدتی خود بتواند راه را بییاید و بمقصد برسد، برای آنکه محصل بتواند بنویسد و از نیروی قلم استفاده کند.

بعد از یاد گرفتن مبادی صرف و نحو باید فن انشاء را باو آموخت طرز آموختن این فن خالی از اشکال نیست. نگارنده نمیخواهد فعلا در این باب وارد شود چیزی که فعلا مورد توجه است این است که در طی انشاء محصل احتیاج خود را بفن املاء احساس مینماید. چون متوجه این نکته میشود اگر نتواند کلمات را درست بنویسد از رساندن مقصود خویش عاجز خواهد ماند. بنابراین نمی تواند نسبت بفن املاء اعتنائی نداشته باشد، حال باید دید بچه وسیله بهتر ممکن است این کار را انجام داد؟

طریقه که فعلا در مدارس مامعوم میباشد این است که معلم قطعه که دارای چند لغت غیر مانوس باشد از قبیل تائق، تنوق، توغذ، تضام انتخاب مینماید و آنرا برای شاگردان املاء میکند و باید شاگردها هر طور بنظرشان میرسد چیزی بنویسند تا بعدها معلم آنرا اصلاح کند و عده اغلاط را تعیین نماید و نمره بدهد.

این طریقه از دو جنبه قابل انتقاد است اول آنکه شاگرد هیچ احتیاجی ندارد فلان کلمه غیر مانوس را که شاید در طی دوره زندگانی بکمترتبه هم بدان محتاج نمی شود بیاموزد، چون در اول وهله باید کلماتی را که محتاج الیه هست آموخت، در این قسمت علماء هوشمند امریکائی که بدقائقی تربیت آگاه شده اند اقدامی نمودند که می تواند از نظر تربیت برای ما سرمشق خوبی باشد، (آیر) که در قسمت املاء زحمات زیادی کشیده در نتیجه موفق آمده جدولی ترتیب بدهد و در آن هزار کلمه را متناسب اشکالی که برای شاگردان دارد ثبت کند. باید دانست تعیین درجات اشکال از روی تجربه در چند صد شاگرد بعمل آمده و بهیچوجه مطابق میل و سلیقه خود کلماتی را انتخاب نکرده است. شاگرد در ابتداء کلمات ساده را بیاموزد و بتدریج ریش میرود تا وقتی کلمه هزارم را آموخت عاده از نوشتن کلمات در جمله عادی آگاه است و بلاوه وقت محصل تلف نشده که بیهوده

کلماتی را یاد بگیرد که نهمی آنرا می فهمد و نه برای او مورد استفاده واقع می گردد، و اما انتقاد دیگر ناشی از عدم توجه با اصول علم روان شناسی است و ازین حیث است که بشاگرد اجازه می دهند غلط بنویسد و بعد غلط او را تصحیح کنند، آیاچه مانعی دارد از اول شاگرد درست بنویسد تا ذهن او بواسطه دیدن کلمه غلط اصلاح مشوب نگردد، این درست مثل آنست که بخواهیم بکسی راست راه رفتن را بیاموزیم و برای وصول باین مقصود باو تعلیم بدهیم اول باید خمیده راه بروی و بعد راست بایستی! آیا این تعلیم مضحک نیست؟ ولی عیب آنجاست که معلمین ما با اصول روان شناسی که امروز در تمام علوم اجتماعی ریشه دوانده و همه رازیر نفوذ گرفته است عموماً آگاه نیستند. علم روان شناسی بمامیگوید باید اجازه ندهی عادت ناراحتی یک مرتبه هم تکرار نشود چون در سلسله عصبی همین یک دفعه تأثیر خود را خواهد بخشید و یک تمایلی برای تکرار عمل ایجاد خواهد کرد بهتر آنست که کلمات را از اول محصلین درست بنویسند و از این عادت نایسند که مدتی با آن مأنوس شده اند دست بردارند معلمین با این ترتیب از مشوب کردن ذهن محصل اجتناب نموده و از اول را درست را باو نشان داده اند و حالا باید دید چگونه این کار را باید عمل کرد؟

املاء را چگونه باید آموخت؟

برای آنکه شاگرد بتواند کلمه را که می شنود درست بنویسد باید معلم آنرا درست تلفظ کند - همیشه محصلین از بد تلفظ کردن گویندگان شکایت دارند و بهیچوجه باین معنی توجه شایسته نمی شود، حقیقتاً خیلی جای تأسف است که ما کلمه را درست تلفظ نکنیم و منتظر باشیم شاگرد آنرا درست بنویسد، با بد کلمه را روشن و واضح بی هیچگونه تعقید و پیچیدگی گفت و دانست رابطه مستقیمی میان درست گفتن و درست نوشتن موجود است.

دوم آنکه کلمه در جمله مناسبی گفته شود که معنی آن جمله دور از ذهن شاگرد نباشد، یعنی در زمینه اطلاعات او باشد و با این ترتیب می شود مقدمات فن انشاء را در ضمن املاء بشاگرد آموخت، یعنی باو یاد داد کلمه را چگونه باید در ضمن جمله استعمال نمود و این بهترین طریقه ایست که بوسیله آن می توانیم شالوده متین و استوار فن انشاء را بریزیم. در درجه سوم مطالبی که برای شاگرد می گوئیم و می خواهیم عبارات و کلمات آنرا املاء کند مطالبی باشد که بتواند نظر او را بخود جلب نماید. البته تهیه این گونه مطالب بسیار صعوبت دارد و از عهد همه کس بر نمیاید مگر آنکه بهره قابل از روان شناسی محصلین داشته باشد، ولی نباید از نظر دور داشت که کار را درست و بی عیب انجام دادن مستلزم خیلی زحمات است و اگر مایل هستیم که محصلین ما فن املاء را بخوبی بیاموزند باید این نکات را در نظر بگیریم. راجع فن انشاء نیز جداگانه باید بحث شود.

ح. شجره
لیسانسه از دانشکده حقوق

هذیر

رود بدیده دشمن بجستن یکار
نه فال کوی بکار آیدش نه فال گزار

چومرد برهنر خویش ایمنی دارد
نه رهنمای بکار آیدش نه اختر گر

عنصری

(متوفی در ۴۳۲)